

چالش‌های ایران و افغانستان
در عصر پهلومی

سید بهرام موسوی

عقلم

مؤسسه انتشارات عرفان

۱۳۹۹ - تهران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

- سرشناسه : موسوی، سیدبهرام، ۱۳۴۸ -
- عنوان و نام پدیدآور : چالش‌های ایران و افغانستان در عصر موسوی / سیدبهرام موسوی.
- مشخصات نشر : تهران : مؤسسه انتشارات عرفان، ۱۳۹۹.
- مشخصات ظاهری : ۲۸۸ ص.
- شابک : 978-600-658052-4
- وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
- موضوع : ایران -- روابط خارجی -- افغانستان Afghanistan -- Iran -- Foreign relations
- موضوع : افغانستان -- روابط خارجی -- ایران Afghanistan -- Foreign relations -- Iran
- موضوع : ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴-۱۳۵۷ Iran -- History -- Pahlavi, 1925 - 1978
- موضوع : ایران -- مرزها -- افغانستان Iran -- Boundaries -- Afghanistan
- رده‌بندی کنگره : DSR۱۳۹
- رده بندی دیویی : ۳۲۷/۵۵۰۵۸۱
- شماره کتابشناسی ملی : ۶۲۲۲۵۸۵



مؤسسه انتشارات عرفان

• چالش‌های ایران و افغانستان در عصر پهلوی
• سید بهرام مروری

• حروفچینی: فاطمه احمدی - محمّد رفیع - بی‌ظن
• صفحه‌آرا: ه. سوری • طرح جلد: باسیر حسینی
• لیتوگرافی، چاپ و صحافی: ترنج، فرشویه، نور
• چاپ اول، ۱۳۹۹ • شمارگان: ۲۰۰۰ • قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان، ۴۰۰۰۰۰۰ افغانی
• چاپ همزمان در ایران و افغانستان
• حق چاپ در افغانستان و ایران برای ناشر محفوظ است.

تهران: بلوار کریم‌خان، خیابان خردمند شمالی، پلاک ۱۰۱، واحد ۷،
تلفن: ۸۸۳۴۰۴۰۶ - ۸۸۳۴۰۴۰۷
کابل: چوک دهبوری، چهارراهی شهید، کتاب‌فروشی مؤسسه انتشارات عرفان.
تلفن: ۷۹۹۳۴۹۷۲۷ - ۷۹۹۳۰۰۹۳

Ketaberfan.persianblog.com ketaberfan@yahoo.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۸۰-۵۲-۴

ISBN: 978-600-6580-52-4

فهرست مطالب

۷.....	پیش‌گفتار
۱۳.....	فصل اول: بررسی زمینه‌های تاریخی روابط ایران و افغانستان
۱۵.....	شرق ایران از روزگار باستان تا سقوط صفویه
۱۹.....	رویارویی نادرشاه با افغانان
۲۳.....	تجارت‌یابی احمدخان درانی
۲۶.....	کریم‌خان زند و افغانان
۲۸.....	اقامه احمدخان قاجار و حکومت درانی
۳۰.....	فتحعلی‌شاه قاجار و مرزهای شرقی ایران
۳۱.....	مرزهای خاور و تکریم‌های محمدشاه قاجار
۳۴.....	امیران افغان و اثرات ژئوپلیتیکی
۳۶.....	راهبرد میرزا آقاخان خوری در سال‌های شرق ایران
۳۸.....	سیاست ایران در مناطق شرقی پس از معاهده‌ی پاریس
۴۱.....	واپسین شاهان قاجار و افغانستان
۴۷.....	فصل دوم: چالش‌های سیاسی - جغرافیایی
۴۹.....	پهلوی اول در عرصه‌ی قدرت
۵۲.....	دیدار امان‌الله شاه از ایران
۵۵.....	سقوط امان‌الله شاه و عکس‌العمل دولت ایران
۵۹.....	حکومت محمدنادرشاه و تداوم واگرایی‌ها
۶۶.....	چالش‌های سیاسی در عصر محمدظاهر شاه
۶۹.....	دخال‌ت روسیه و انگلیس در مرزهای خاوری
۷۴.....	حکمت‌آلتای
۷۸.....	پیمان سعدآباد و زمینه‌های شکل‌گیری آن
۸۲.....	اهداف سیاسی بریتانیا و شوروی
۸۶.....	فرجام پیمان سعدآباد
۸۸.....	رخدادهای دوره‌ی پهلوی دوم و کمیسیون هیرمند
۹۷.....	جمهوری محمدداوود خان
۱۰۱.....	قرارداد ۱۳۱۷ و مداخله جویی آمریکا
۱۱۰.....	پیامدهای قرارداد ۱۳۵۱ ش

فصل سوم: چالش‌های اعتقادی - فرهنگی	۱۱۵
چالش میان تشیع و تسنن	۱۱۷
شیعیان افغانستان و تکاپوهای حکومت پهلوی اول	۱۲۱
تداوم شیعه‌کشی در افغانستان و موضع‌گیری پهلوی دوم	۱۲۶
پشتون‌گرایی سیاسی	۱۳۵
افغان‌ها (پشتون‌ها)	۱۳۷
پشتون‌گرایی فرهنگی و ترویج زبان پشتو	۱۴۰
حمود طرزی و سراج‌الاکهار	۱۵۱
تبلیغات ضد ایرانی در مطبوعات افغانستان	۱۵۷
چالش فرهنگی ایران و افغانستان در دوران پهلوی اول	۱۶۰
واگرایی فرهنگی در دوران پهلوی دوم	۱۶۵
فصل چهارم: چالش‌های اقتصادی	۱۷۱
سیمای اقتصادی ایران در دوران پهلوی اول	۱۷۳
شرایط اقتصادی ایران در عصر پهلوی دوم	۱۷۷
سیمای اقتصادی افغانستان	۱۸۲
برنامه‌ی اقتصادی امان‌الله خان	۱۸۴
استراتژی اقتصادی محمدنادرشاه	۱۸۸
سیاست‌های اقتصادی محمدظاهر شاه	۱۹۰
اقتصاد افغانستان در دوران جمهوری	۱۹۴
راه‌ها و سیستم حمل و نقل	۱۹۷
نقش ایلات و عشایر افغان (پشتون) در واگرایی اقتصادی	۲۰۶
ناامنی مرزهای شرقی	۲۱۰
مبادلات ارزی و زیرساخت‌های ناکارآمد اقتصادی	۲۱۵
ارزیابی:	۲۱۹
منابع	۲۲۵
نمایه	۲۴۳
پیوست‌ها	۲۵۷

پیش گفتار

با سترط دولت صفوی، طوایف مناطق شرقی و خطه‌ی خراسان، بر طبل جدایی، ستارگان سرنگری گذشته‌ی تاریخی خود فرو کوبیدند. ظهور نادرشاه افشار و سیاست بایدهای او در بهره‌مندی از نیروی کارآمد سپاهیان افغان خراسانی و در پیش گرفتن سامع اعتقادی تا حدود زیادی مساله جدایی افغانان خراسانی را به محض فو و برد با قتل نادر افشار، احمدخان درّانی، از خلاء قدرت و آشفتگی کشور بهره‌برده، نخستین نغمه‌های استقلال را سرداد. خان افغان با همراهی رهبران طایفه ابدالی (درّانی) ضمن اعلام استقلال و برگزاری مراسم تاجگذاری حملات فستی‌هایی از خراسان را جدا ساخت. در این دوران جانشینان نادر غالباً به درگیری، غول و از اداره‌ی امور مملکت غافل بودند بنابر این کشور عرصه‌ی قدرت‌های محکومتگرانی شد که توان حل مشکلات آن را نداشتند. آشفتگی موجود باعث شد تا احمدشاه درّانی با لشکرکشی به قسمت‌های غربی خراسان بزرگ به نیت تصرف تمام ایران برآید. در تداوم نابسامانی‌های دامن‌گیر، قدرت از افشاریه به خاندان زند رسید. کریم‌خان نیز از فتنه‌ی افغانستانی‌ها در امان نبود، آزادخان افغان که از بازماندگان سران نادرشاه افشار بود با تصرف قسمتی از آذربایجان، بر دایره‌ی دشواری‌های کشور بی‌سامان ایران می‌افزود. خان زند

در کنشی زیرکانه، فرمان قتل عام افغانان معترض را صادر و موج افغان‌کشی ابتدا از تهران و سرانجام شهرهای اصفهان، یزد، قم، کاشان و رشت را نیز در بر گرفت و تا حدودی از دشواری‌های موجود فرو کاسته شد.

با پایان سلطنت زندیه و طلوعی قدرت در ایل قاجار، صفحات شرقی ایران و سرزمین افغانستان که هنوز جزیی از ایران به حساب می‌آمد، محل تبادلات فراوان و نزاع‌های ویرانگری شد که از رهگذر آن علاوه بر هدم زاردهای نیروهای انسانی و اقتصادی، توأم با دخالت‌های گسترده‌ی نیروهای بیگانه و به ویژه بریت‌های مداخله جوی انگلستان و روسیه شد. مساله مرزهای شرقی ایران و شهر استراتژیک هرات، همواره از دغدغه‌های بنیادین حکومت بود. در این سنت ناصرالدین شاه کشاکش‌ها همچنان پابرجا بود تا آن که سرانجام دولت بریتانیا با عقد پیمان پاریس، برای همیشه سرزمین افغانستان که قسمت از خاک ایران محسوب می‌شد را از پیکره‌ی اصلی خود منفک و دو واحد مستقل سیاسی سر برآوردند و طرفه آن که در طی دهه‌های بعد در عصر قاجار و سپس در دوران پهلوی همواره تنش‌ها و منازعات سیاسی، اقتصادی، ارضی و عوامی روابط دو کشور را تحت الشعاع قرار داد.

در دوران پهلوی، تاریخ دو دولت ایران و افغانستان با آن که هیچگاه از روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی بی‌بهره نماند، مع الوصف وجود موانع و چالش‌های جدی در عرصه‌ی سیاسی مانند تبعیضات ضد ایرانی در افغانستان، عدم استقبال شایان از امان‌الله شاه در سفر به ایران، سکوت معنادار رضاشاه از سقوط وی و در ادامه تعرض نیروهای افغان به مناطق سرحدی ایران در خراسان و سیستان و کاهش حقایقه‌ی ایران از

رودخانه‌ی هیرمند، مسالهی جلگه‌ی هشتادان و نزاع دو کشور بر سر این منطقه دخالت دولت‌های بیگانه به ویژه داوری مک‌لین بریتانیایی و نادیده انگاشتن حقوق تاریخی ایران و در نهایت حکمیت ژنرال آلتای ترک به نفع رقیب از موانع مهم بر سر راه توسعه‌ی روابط بود. عقد پیمان تدافعی سعدآباد که افغانستانی‌ها علیرغم میل باطنی در آن شرکت و هرگز به مفاد آن پایبند بوده و فراتر از آن در جریان جنگ جهانی دوم به رغم اشغال ایران از سوی نرای متفقین به مناطق مرزی ایران تعرض و به قاچاق سوخت و مواد خوراکی، نیز اقدام می‌نمودند. چالش‌های مرزی ایران و افغانستان در سیستان، مداخلات بریتانیا و روسیه و عقد قراردادهای متعدد مانع از درازدستی دولت افغانستان و اتباع این کشور به این منطقه نشد. شاید در میان چالش‌های سیاسی - جغرافیایی موضوعی به اندازه‌ی مسالهی حقابه‌ی رودخانه‌ی هیرمند محل نزاع و تنش میان دو کشور نبوده باشد. موضوعی که از عصر قاجار آغاز، در دوران پهلوی تداوم و حتی اکنون نیز به قوت خود باقی مانده است.

دولت افغانستان بر خلاف تمامی میثاق‌های بین‌المللی و پیمان‌های منعقد شده میان دو کشور از ورود آب هیرمند به ایران خودداری و در بسیاری موارد از آن به عنوان اهرمی در راستای فشارهای سیاسی و اقتصادی بر ایران بهره می‌برد. در موضوع حقابه‌ی هیرمند نیز دخالت‌های بی‌سمازی بریتانیا، شوروی و آمریکا که با سرمایه‌گذاری اقتصادی و احداث سد بر مسیر رودخانه در افغانستان به این موضوع دامن می‌زدند غیر قابل انکار است.

در موضوع چالش‌های اعتقادی - فرهنگی، آنچه بیش از هر مسالهی، می‌توانست دستمایه موانع و کاهش روابط میان دو کشور باشد مساله بحث

برانگیز مذهب تشیع و تسنن بود به گونه‌ای که حاکمان افغانستان حسب شرایط اجتماعی و قدرت فراوان رهبران مذهبی در این کشور که همواره از پایه‌ها و ارکان قدرت محسوب می‌شوند، در جهت تحدید قدرت شیعیان افغانستان و در مقابل افزایش توان اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اهل سنت از هیچ ستم و اجحافی در حق شیعیان آن کشور دریغ نداشتند و طبیعتاً عکس العمل حکومت ایران، مردم و به ویژه عالمان دین را به همراه می‌داشت. به نظر می‌رسد دولت افغانستان و رهبران مذهبی قدرتمند و متنفذ آن در سیاست تبعیضاتی از تاثیر عوامل خارجی و دسیسه‌های دول بیگانه نیز برکنار نبوده باشند. پشتون‌گرایی سیاسی و نادیده انگاری سایر اقوام و گروه‌های قومی با ویت، هزارها، قزلباشان و فارسی زبانان از سیاست‌های دیگر دولت افغانستان در عصر پهلوی بود که در تلاشی گسترده بر آن بود تا علاوه بر حذف گروه‌های صفا، روابط با ایران، به تسویه حساب‌های قومی و مذهبی در افغانستان اقدام که این مسئله می‌توانست سطح روابط دو کشور را تحت الشعاع قرار دهد.

در میان چهره‌های طرفدار چنین بینشی باید از محمود طرزی نام برد که به صورتی افراطی در راستای تسلط قومی غالب و در جهت واگرایی با دولت ایران و ایجاد بسترهای مناسب برای روابط با سایر کشورهای منطقه مانند ترکیه و دولت‌های اروپایی به سیاست پشتون‌پسند اقبال‌نشان می‌رفت. در این زمینه اشتیاق حاکمان پشتون بر افغانستان و چهره‌های فرهنگی مانند محمود طرزی که با سیاست‌های دولت ترکیه موافق و در جهت استخدام ماموران و معلمان ترک اهتمام فراوان داشت در واگرایی میان دو کشور نقشی غیر قابل انکار ایفا نمود.